بازهم اینجا بیا سالوادور

قسمت آخر

ایلیا موسایی

شهادت دادن مرتضی میرغلامی کاسب محله

بله آقا، بله، از موقعی که این غریبه‌ها می‌آیند اینجا حسابی اوضاع بی‌ریختی شده. من که شکر خدا همین مردم محلی ازم باقالی ونخود می‌گیرند وباهمین آب باریکه اموررامی گذرانم ولی خدا ازاین جواد عارفی نگذرد که بساط پشمک راه انداخت وبازار من راکساد کرد. این غریبه‌ها هم که دیدید، بیشتر طرف‌دار این سوسول‌بازی‌ها هستند. الان دیگر کی بیاید غذای سالم قدیمی بخورد. شما هم دیدید حتما نه لباس درست‌درمانی دارند نه شأن واحترام حالی‌شان می‌شود. هرکجا می‌روند همین بساط است. بزن‌وبکوب ومشروب وریخت‌وپاش، اصلا ایرانی جماعت همین است آقا.

باجناقم ازهمدان زنگ زده همین‌ها رامی گوید. توی یکی ازروستاهای اطراف، درست وسط مراسم محرم یک گله آدم ریخته‌آنجا... بله‌آقا، بله، می‌روم سراصل موضوع. این بنده‌های خدا رامن یک‌بار دیدم. ازهمین جواد پشمک خریده بودند وازشیشه‌های ماشین گرفته‌بودندبیرون. یک‌سگ هم‌داشتند. درست عین همین پشمک‌های توی دستشان بود. نه‌آقا من که‌سوادم‌به‌مدل‌ماشین‌واین‌چیزها که‌نمی‌رسد. فقط می‌دانم ازاین ماشین‌های سفید اعیان بود. زدند به‌سپر عقب یک بنده خدایی، نه‌آقاااا... نه، نمی‌شناختم. بنده خدا هم ازماشین پیاده شد وچند کلمه‌ای باهم ردوبدل کردند. بعد هم هرکسی رفت برای خودش. نه‌آقاااا... نه، قسم می‌خورم، اصلا دعوایی نشد. این لکه‌ها؟! حتما نصفه‌شب گربه‌ای جک‌وجانوری رفته زیر چرخ ماشین‌های عبوری وخونش پخش‌وپلا شده. وگرنه مردم اینجا معروف‌اند که‌خون گرم ومهمان‌نوازند. نه‌آقاااا... کی گفته؟ کی دیده که‌دعوا شده؟ چه‌برسد به‌اینکه خون طرف راریخته باشند. اگر آن‌طور بود اقلا یک‌نفری باید پیدا بشود که‌شهادت بدهد. کسی شهادت داده؟ می‌خواهم ببینم کی بوده که‌همچین حرفی زده؟!

شهادت دادن مریم بهادری فروشنده سیار کتاب

...بله‌آقای سروان، ببخشید من تندتند حرف می‌زنم. عادت دارم. اول لطفا بگویید شما راآقای سروان صدا کنم یاآقای سرهنگ؟ ببخشید من بلد نیستم. ما دخترها که‌سربازی نداریم، بله جناب سروان، ببخشید شما راکشاندم اینجا. نمی‌دانید این مغازه‌دارها چقدر فضول‌اند، اگر بفهمند من شهادت داده‌ام وحرف زده‌ام سرم رامی‌برند، چه‌برسد به‌اینکه بگذارند توی این راسته کتاب بفروشم. شما کتاب نمی‌خوانید؟ این ۱۰ رازشاد زیستن جزو پرفروش‌های ماست. ۱۰ درصد هم تخفیف دارد، بله بله، دیروز بود. فقط شما رابه‌خدا نگذارید کسی بفهمد من حرف زده‌ام. مردم اینجا راکه‌می‌شناسید همین‌طوری همدیگر راپسرعمو وپسردایی صدامی‌کنند. معلوم است که‌علیه همدیگر شهادت نمی‌دهند. خوب پشت هم رادارند.

من جلو مغازه‌ها بودم که‌دیدم اتفاق افتاد. یک ماشین سفید بود که‌یک دخترچه پشمک توی دستش راگرفته بود بیرون. یک پراید هم بود. نقره‌ای، بله مطمئنم. نه، سفید نبود. نقره‌ای بود. هوممم شاید هم سفید بوده، ببخشید من هول کرده‌ام تابه‌حال بازجویی نشده‌ام. بله دخترچه پشمک راتوی هوا سمت راننده پراید تکان داد، بعد راننده پراید نمی‌دانم چه‌گفت. ازآنجا که‌شنیده نمی‌شد. بعد پراید تندی پیچید جلو آن یکی ماشین سفید. الان که‌فکرش رامی‌کنم می‌بینم پراید هم سفید بوده احتمالا. شما بنویسید یاسفید یانقره‌ای، بعد صدای بلند ترمز آمد. ماشین سفید... این یکی رامطمئنم دیگر که‌سفید بود. بله خورد به‌عقب پراید. وااای جناب سروان، مردم اینجا راکه‌می‌شناسید. راننده پراید پیاده شد یک چاقوتوی دستش بود این هواااا.... بیشتر شبیه شمشیر بود تاچاقو، محکم زد روی ماشین سفید. بچه‌ها وخانمی هم که‌توی ماشین بودند شروع کردند به‌جیغ زدن.

من قلبم داشت ازجا کنده می‌شد. هم دلم می‌خواست فرار کنم یادست‌هایم رابگذارم روی صورتم که‌دعوا رانبینم، هم دلم می‌خواست تماشا کنم ببینم چه‌می‌شود. خدا چطور این طفلک‌های مسافر رانجات می‌دهد. محلی‌های اینجا راکه‌می‌شناسید. خدا نکند یکی‌شان باغریبه‌دعوایش شود. همه می‌ریزند توی دعوا که‌ده بیست‌نفری طرف رابزنند. یکهو چنان شلوغ شد که‌دیگر چیزی دیده نمی‌شد. ۵دقیقه نشده دیدم خیلی‌ها دارند می‌دوند وفرار می‌کنند. نه‌جناب سروان دور بودم درست قیافه راننده پراید راندیدم. اگر هم دیده بودم یادم نمی‌ماند.

شما رابه‌خدا نگذارید کسی بفهمد که‌من این‌ها راگفته‌ام. همین دوتا کتاب راهم نمی‌گذارند بفروشم. بعد جمعیت کم شد. دیدم راننده ماشین سفید روی زمین افتاده وچندنفری دارندمی‌کشندش که‌روی صندلی‌عقب بیندازند. خانم‌طفلک راهم زده بودند. اینجای پیشانی‌اش خونی بود. فقط داشت جیغ می‌زد. بعد یکی ازهمین‌ها نشست پشت فرمان ماشین ونمی‌دانم کجا بردشان. من این‌قدر ترسیده بودم که‌شب خوابم نبرد، طفلک بچه‌ها، شما بچه دارید؟ کتاب بچه‌گانه هم‌دارم، ۳۰درصد تخفیف خورده، تورو خدا یکی دوتا بخرید. قیمتشان خوب است. سیندرلا... این هم قصه‌های شرک... قیمت پارسال...

پایان

۲۱چینی، قربانی رانش زمین

ایسنا| درپی رانش زمین ناشی ازبارندگی‌های شدید دراستان «شنشی» این کشور، ۲۱نفر جان خود راازدست دادند وجست‌وجوها برای یافتن شش مفقود دیگر ادامه دارد. گفته می‌شود که‌امسال بیش از ۱۴۰نفر درحوادث مرتبط باسیلاب، درکشور چین جانشان راازدست داده‌اند.

۳۶کشته درپی حادثه درمعدن یشم

ایرنا| درپی وقوع حادثه رانش زمین درمعدن یشم، درشهری دوردست به نام هپاکانت که مرکز صنعت یشم میانمار به‌شمار می‌رود، ۳۶نفر جان خود راازدست داده‌اند. بیش از ۱۰۰امدادگر درجست‌وجوی بازماندگان این حادثه هستند وهشت زخمی نیز به‌بیمارستان منتقل شده‌اند. حوادث معدن درشهر هپاکانت رایج است ازجمله رانش زمین معدن این منطقه درسال ۲۰۲۰ که منجر به‌جان‌باختن ۱۷۰نفر شد. میانمار تولیدکننده حدود ۹۰درصد یشم جهان است.

شهرآرا
۳شنبه
۲۴ مرداد ۱۴۰۲
۲۸ محرم ۱۴۴۵
شماره ۴۰۱۲
SHAHRARANEWS.IR

عملیات نجات در «بفره»

گردشگرانی که در دره‌ای به عمق ۶۵متر گرفتار شده بودند، پس از ۳روز نجات یافتند

لیلا کوچک‌زاده

گزارش

گردشگرانی که روز شنبه در دره صعب‌العبور روستای ساروق سبزوار گرفتار شده بودند، پس از سه روز با کمک نیروهای امدادی از مرگ حتمی نجات یافتند. در روزهای گذشته، اوضاع جوّی مساعد نبود و بالگرد هلال احمر هم که برای نجات این افراد به پرواز درآمده بود، نتوانست کمکی کند. امدادگران آتش‌نشانی و هلال احمر، دیروز در یک عملیات نفس‌گیر و طولانی زمینی، این افراد را از دره ۶۵متری «بفره» بالا کشیدند. دره صعب‌العبوری که محل تأمین آب شهرستان سبزوار است و تاکنون حوادث این‌چنینی بسیار به خود دیده است اما باز هم طبیعت‌گردان برای دیدن آبشار و چشمه‌های بکر این دره، مفتون می‌شوند وبدون تجهیزات ایمنی لازم و شناخت کافی از دره، پایین می‌روند. اما پایین‌رفتن از دره بفره به دست خودشان است و چگونگی بازگشتشان دیگر معلوم نیست.

شنبه: تقاضای کمک

محسن ذاکریان، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر خراسان رضوی، درباره جزئیات این حادثه به شهرآرا گفت: روز شنبه ساعت ۱۴:۲۰، با درخواست کمک از سوی نیروهای پلیس و خانواده چند گردشگر مفقودشده، گروه‌های امداد و نجات کوهستان هلال‌احمر شهرستان سبزوار، به محدوده روستای ساروق که این افراد در آنجا گرفتار شده بودند، اعزام شدند. وی افزود: این منطقه کوهستانی و صعب‌العبور در مسیر جاده سبزوار به داورزن و شاهرود واقع شده و محل پیمایش کوهنوردان حرفه‌ای است؛ اما متأسفانه هر چند ماه یک‌بار گردشگران و افراد غیرحرفه‌ای که به پیمایش در این دره می‌پردازند، در هنگام خروج دچار مشکل و دست به دامان نیروهای امدادی می‌شوند. این پنج نفر هم طبیعت‌گرد بودند و برای یک پیمایش معمولی وارد دره شده بودند. آن‌ها تجهیزات ایمنی کافی همراهشان نداشتند. به همین دلیل هنگام خروج از دره، دچار مشکل می‌شوند و نمی‌توانند خود را بالا بکشند. گوشی‌های همراه آن‌ها نیز آنتن نمی‌دهد و امکان برقراری تماس برای کمک را هم از دست می‌دهند و کاملا ناامید می‌شوند.

ذاکریان ادامه داد: بالاخره پس از چند ساعت، یکی از طبیعت‌گردان که قدرت بدنی بیشتری نسبت به بقیه دارد، تصمیم می‌گیرد خود را از دره بالا بکشد و دوستانش را نجات دهد. او خود را به محلی می‌رساند که آنتن می‌دهد و با خانواده خود، پلیس و هلال‌احمر تماس می‌گیرد و محل مفقودی را اعلام و درخواست کمک می‌کند. اما این فرد دوباره برای رسیدن به همراهانش از دره پایین می‌رود و ارتباطش با گروه امداد هلال‌احمر قطع می‌شود.

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر خراسان رضوی بیان کرد: نیروهای ما پس از دریافت این تماس، کمتر از دوساعت بعد، خود را به نزدیکی محل می‌رسانند ولی متأسفانه به‌دلیل نداشتن موقعیت مکانی به گم‌شده‌ها دسترسی پیدا نمی‌کنند و هوا تاریک و عملیات به روز بعد موکول می‌شود.

یکشنبه: فرستادن غذا داخل دره

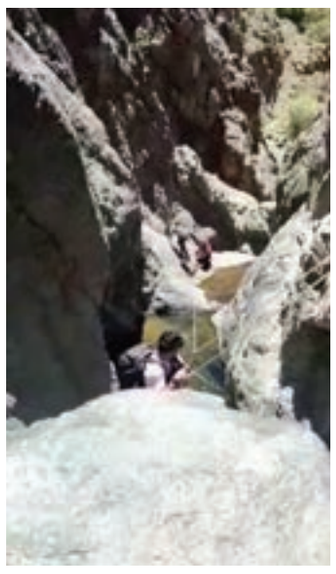
روز یکشنبه سرانجام نیروهای نجات از کوهستان هلال‌احمر، پس از سه ساعت پیمایش، منطقه‌ای را که این افراد در آن گرفتار شده بودند، ردیابی می‌کنند. اما بعد مشکل دیگری پیش می‌آید. ذاکریان در این‌باره گفت: این گردشگران که ساعت‌هاست چیزی نخورده و احساس خستگی و ناتوانی می‌کنند، برای نجات جان خود و پیداکردن راه خروج، شروع به پیمایش مسیر می‌کنند و همین موضوع باعث می‌شود که دوباره محل استقرار آن‌ها را از دست بدهیم. دراین‌بین، بالگرد هلال‌احمر هم برای کمک به منطقه به پرواز درمی‌آید، اما به‌دلیل وزش باد شدید و امکان سقوط نمی‌تواند فرود بیاید و برمی‌گردد.

او افزود: امدادرسانان ما فقط می‌توانند با ردیابی منطقه جدیدی که این افراد در آن متوقف شده بودند، با کمک طناب و تجهیزات، مایحتاج لازم مثل آب، غذا و لوازم بهداشتی را به داخل دره و به دست این افراد برسانند.

دوشنبه: نجات با طناب

بدین‌ترتیب یک روز دیگر هم می‌گذرد و هنوز گردشگران، پایین دره در انتظار کمک هستند. حالا اما غذا به آن‌ها رسیده و با توان بدنی جدید، امید بیشتری برای زنده‌ماندن دارند. مدیرعامل هلال‌احمر خراسان رضوی بیان کرد: تنها راه پیش روی ما، استقرار چند گروه امداد به محدوده موردنظر در روستای ساروق بود. بنابراین هفت امدادرسان هلال‌احمر و چهارآتش‌نشان، در ارتفاعات دره بفره مستقر شدند و از ۱۰نیروی بومی هم که این منطقه را به‌خوبی می‌شناختند، کمک گرفته شد. عملیات جدید، سحرگاه روز یکشنبه شروع می‌شود. ذاکریان افزود: از ساعت ۵صبح عملیات ما آغاز شد و امدادگران هلال‌احمر وآتش‌نشانی با فرستادن طناب به پایین دره، یکی‌یکی گردشگران را بالا کشیدند. ساعت به یک‌ظهر می‌رسد که هر پنج نفر بالای دره هستند و از مرگ حتمی نجات یافته‌اند. آن‌ها به همراه ۲۱نیروی امدادی، مسیری پاکوب را تا رسیدن به منطقه امنی که خانواده‌های نگرانشان منتظر آن‌ها بودند، طی کردند. درحالی که به‌دلیل رسیدن تغذیه، حال مساعدی داشتند و فقط دچار خستگی بودند.







نکات ایمنی در کوهستان

ذاکریان اما چند نکته ایمنی را درارتباط با حوادث گرفتاری در دره و کوهستان یادآور شد. وی گفت: باتوجه به اینکه استان ما به‌دلیل وجود رشته‌کوه‌های مختلف، بسترساز حوادث کوهستان است، افراد از عزیمت انفرادی به کوهستان خودداری کنند. حتما اندوخته غذایی برای تأمین یک تا دو روز همراه خود داشته باشند. قبل از عزیمت، خانواده و آشنایانشان را از محل دقیق پیمایش و کمپ خود مطلع کنند. امکانات اولیه مختصر مثل شارژر گوشی و لوازم موردنیاز بهداشتی و درمانی همراهشان داشته باشند. نکته مهم دیگر این است که وقتی در محلی مصدوم شدند، بیشتر از اینکه انرژی‌شان را صرف بازگشت کنند، در محل بمانند و برای برقراری تماس با نیروهای امدادرسان تلاش کنند.

متهم سابقه‌دار، سردسته باند سرقت پرایدها

خبر

ابوعطا | آب‌خنک خوردن هم برخی مجرمان را سر به راه نمی‌کند. اتفاقا در پرونده‌های زیادی مشاهده می‌شود که سردسته باند یک متهم سابقه‌دار زندان رفته است. همچون باند سارقان پراید در مشهد که متهم بیست‌ودوساله با وجود سوابق سیاهی که در کارنامه داشت، سردسته این باند شده بود و یک‌بار دیگر نیز دستگیر شد.

ماجرای این پرونده با سرقت یک پراید از خیابان کشمیری آغاز شد و افسران کلانتری مهرگان مأمور رسیدگی به این پرونده شدند. مأموران تجسس این کلانتری با استفاده از سرنخ‌های موجود و اشراف اطلاعاتی، متهم را که فردی سابقه‌دار بود، شناسایی کردند و به‌طور نامحسوس زیرنظر گرفتند. پلیس با شناسایی مخفیگاه متهم و پس از هماهنگی قضایی وارد عمل شد و متهم اصلی و همدستش را دستگیر کرد.

در بازرسی از محل سه دستگاه خودرو سواری پراید مسروقه و مقادیری لوازم و قطعات خودرو شامل پخش، باند، باتری، آچارآلات و... کشف شد. متهمان در بازجویی‌های به‌عمل‌آمده تاکنون به پنج فقره سرقت خودرو و هفده‌فقره سرقت وسایل و قطعات خودرو در محدوده شمال شهر مشهد اعتراف کرده‌اند. تحقیقات از متهمان برای شناسایی افراد مال‌خر و کشف دیگر جرائم احتمالی‌شان ادامه دارد.

لینک جعلی سهام عدالت باز هم قربانی گرفت

خبر

دیبا| برخی جرائم انگار آغاز و پایانی ندارند و با وجود هشدارهای پی‌درپی و حتی کم‌رونق‌شدن کلاهبرداری‌ها در یک بازه زمانی، ناگهان همچون دملی چرکین دوباره سر باز می‌کنند. شهروندان زیادی قربانی شیادانی می‌شوند که به‌بهانه‌های مختلفی همچون «سهام‌عدالت» حساب شهروندان را خالی می‌کنند، موضوعی که در روزهای گذشته از مشهد نیز یک قربانی گرفت.

به گفته فرمانده انتظامی مشهد، با مراجعه یکی از شهروندان به پلیس فتا و ارائه شکوائیه درباره برداشت غیرمجاز از حساب بانکی‌اش، کارشناسان پلیس فتای مشهد متوجه شدند که مال‌باخته با بی‌احتیاطی روی لینک جعلی با عنوان «سهام عدالت» که پیامکی دریافت کرده بود، کلیک کرده و پس از نصب نرم‌افزار، متوجه برداشت غیرمجاز ۹۵میلیون‌ریالی از حساب بانکی‌اش شده است.

سرهنگ احمد نگهبان تصریح کرد: کارشناسان پلیس فتا با اشراف اطلاعاتی، متهم را در یکی از استان‌های غربی کشور شناسایی و با دستور مقام قضایی حساب وی را توقیف کردند، ضمن اینکه مبلغ فوق به‌حساب شاکی نیز مسترد شد.

وی با اشاره به ارسال پرونده به‌طور نیابتی، از شهروندان خواست موقع دریافت پیامک عجله نکنند و حتما به شماره فرستنده توجه شود. اگر پیامک از شماره شخصی و حاوی لینک بود، بی‌شک پیامک جعلی و کلاهبرداری است و به‌هیچ‌وجه روی لینک موجود کلیک نکنید.

عکس خبر

حمله سگ عقیم به دام‌پزشک

شهرآرا| دکتر جراح حیوانات توسط سگی که عقیم‌سازی شده بود، مورد حمله قرار گرفت و از ناحیه صورت دچار جراحت شدید شد. ماجرای این حادثه در درمانگاه یکی از دام‌پزشکان شهرستان کاشمر اتفاق افتاد. یک قلاده سگ ماده توسط یک راننده آژانس از پناهگاه نگهداری سگ‌های بدون‌صاحب متعلق به شهرداری کاشمر برای عقیم‌سازی به این درمانگاه منتقل شد. پس از عمل جراحی به‌خاطر نداشتن همراهی، هنگام جابه‌جایی به داخل خودرو برای انتقال به محل نگهداری، سگ به هوش آمد و باتوجه به استرس ذاتی و احساس ترس، صورت دام‌پزشک را گاز گرفت. دام‌پزشک باتوجه به مصدومیت شدید، بلافاصله به مرکز درمانی مراجعه کرد و با اقدامات کامل سرم‌تراپی و درمانی برای پیشگیری از ابتلا به بیماری هاری و کزاز، واکسن دریافت کرد.



جدول ۳۸۱۳

